

لزوم بازنگری و ویرایش دوباره رباعیات جامی

احمد علی زاده^۱

چکیده

جامی از سخنوران چیره دست عصر تیموری است. موضوع این مقاله بررسی سندیت و اصالت رباعیات، تأثیر، به جمع و تدوین محمود مدبری است. نگارنده مقاله حاضر بر آن است که همه رباعیات گردآوری شده در کتاب «رباعیات جامی» نمی تواند سروده خود شاعر باشد و این شاعر هم مثل بسیاری از سخنوران لفظی و مفهومی جامی از گویندگان دیگر و اثرگذاری او بر رباعیات دیگران، بر اساس کتاب «رباعیات جامی دیگر ادب فارسی در لابه لای آثارش و به ویژه در کتاب نقدالنصوص» که یک اثر استدلالی و شرحی است - در مقام تبیین یک مقوله عرفانی یا فلسفی به ناچار به رباعیات دیگران استناد جسته است. بنابراین ویرایش و تنقیح مجدد رباعیات جامی ضروری است تا از این رهگذر رباعیات مسلم شاعر شناسایی شده، سیر اعتقادی و چهار چوب اندیشه شاعر براساس رباعیات در بررسی محتوایی رباعی فارسی مشخص گردد. تصور نادرست جامع رباعیات، مبنی بر اینکه تمام رباعیات به کار رفته در آثار جامی می تواند سروده خود شاعر باشد و نیز عدم جست و جو و ردیابی رباعیات او در سایر متون ادبی، عرفانی و تاریخی عصر جامی و قرون گذشته، دانش اندک و سهوهای کاتبان نسخ خطی و کم دقتی های آنان از دلایل اصلی راهیابی رباعیات دیگران در رباعیات جامی می تواند باشد. شیوه پژوهش در این مقاله، بنیادی - نظری است.

کلید واژه ها: عصر تیموری، رباعیات جامی، لزوم بازنگری، محمود مدبری، سندیت اشعار، تصحیح

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی، میاندوآب، ایران.

۱- مقدمه

۱-۱- معرفی اثر

پژوهشگر فاضل، محمود مدبری، از آثار چاپی جامی، اعم از کتاب و رساله، مجموعاً ۶۹۵ رباعی را استخراج نموده و در سال ۱۳۶۹ کتاب رباعیات جامی را در تهران در نشر پاژنگ به چاپ رسانده است. مآخذ ایشان برای استخراج و درج رباعیات آثار زیر بوده است:

- ۱- دیوان جامی، ویراسته هاشم رضی، تهران، انتشارات پیروز، ۱۳۴۱
- ۲- دیوان جامی، چاپ لکنه، ۱۸۷۶م
- ۳- سه رساله در تصوف (لوامع، لوايح و شرح رباعیات) تهران، نشر منوچهری، با مقدمه ایرج افشار، بی تا
- ۴- اشعه اللمعات (به انضمام چند رساله دیگر) تصحیح حامد ربّانی، تهران، کتابفروشی علمیه، بی تا
- ۵- نقدالنصوص، تصحیح ویلیام چیتیک، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۶
- ۶- بهارستان، چاپ افست از روی چاپ وین، ۱۳۴۰
- ۷- نفحات الانس، تصحیح مهدی توحیدی پور، تهران، کتابفروشی محمودی، ۱۳۳۶
- ۸- حلیه حلل، تصحیح نجیب مایل هروی، مشهد، بی تا، بی نا
- ۹- رساله متوسط در معما، نسخه عکسی کلیات جامی، به شماره ۳۹۸۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۱۰- رساله لا اله الا الله، نسخه عکسی کلیات جامی، به شماره ۳۹۸۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۱۱- شرح بیت امیر خسرو، نسخه عکسی کلیات جامی، به شماره ۳۹۸۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۱۲- شرح حدیث عما، نسخه عکسی کلیات جامی، به شماره ۳۹۸۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۱۳- هفت اورنگ، به کوشش مرتضی مدرسی گیلانی [به محل نشر، ناشر و سال چاپ اشاره نشده است]

مدبری در این اثر، مقدمه ای کوتاه در معرفی جامی، عصر تیموری و شاهان معاصر جامی نوشته، سپس بحث مجملی در بیان اندیشه ها و اعتقادات مذهبی شاعر پیش کشیده و آثار منظوم و مثنوی چاپی جامی را بر شمرده است که منابع ایشان برای استخراج و تدوین رباعیات بوده است. در ادامه نوشته است: «مسلماً آثار خود جامی در اصالت رباعی ها صریح تر از کتاب های دیگران است و مجموعه هایی که از رباعیات او در بیاض ها، جنگ ها و مجموعه های خطی و تذکره ها پدید آمده

به میزان کثیری مبتنی بر همان هاست؛ مگر تعدادی که رباعیات سرگردانند و به گویندگان متعددی از زمان های گوناگون منسوب» (مدبری، ۱۳۶۹: ۱۵).

مدبری پس از ذکر شیوه کار و روش تدوین و درج رباعیات در کتاب، با تواضع اذعان داشته: «این کار تمام و کامل نیست و سهوها و خطاهایی را در لابه لای سطور خود دارد. بر خوانندگان محترم و نکته یاب است که نگارنده را از ایرادات و اشکالات مطلع سازند که در رفع آنها بکوشد» (همان: ۱۶).

پس از درج متن رباعیات، تعلیقات مختصری مشتمل بر ذکر مأخذ هر رباعی، توضیح لغات و اصطلاحات تصوف با استفاده از فرهنگ های تخصصی این حوزه، فهرست آیات قرآنی و احادیث آمده و در پایان فهرست لغات و ترکیبات، فهرست اسامی اشخاص، امکنه و کتاب ها و فهرست منابع ذکر گردیده است.

اینکه جامع محترم رباعیات معتقد است آثار جامی در اصالت رباعیات، صریح تر از کتاب های دیگران است، سخنی است بجا و منطقی؛ اما باید در نظر داشت که جامی هم مثل اکثر گویندگان عرصه ادب فارسی در لابه لای آثار خود بعضاً در محل استناد از اشعار دیگران بهره جسته، یا به عنوان شاهد مثال شعری از دیگران نقل کرده است و این امر منحصر به جامی نیست و در بیشتر متون ادبی هم دیده می شود. سهوها، کم دقتی ها و دانش اندک کاتبان هم در این امر بی تأثیر نبوده که در ضمن استنساخ اشعار یک شاعر با اتکا به حافظه، شعری از شاعر دیگر را در اشعار او وارد می کرده اند. به همین سبب، امروزه ضرورت دارد آثار بسیاری از گویندگان ادب فارسی مورد بازبینی، تصحیح، تنقیح و تکمیل قرار گیرد.

اما اینکه تدوینگر محترم رباعیات جامی معتقد است اکثر رباعیات مندرج در آثار جامی سروده طبع جامی است و در این مقوله به رباعی زیر از خود جامی استناد جسته:

جامی هر جا نامه انشا آراست
از گفته کس به عاریت هیچ
نخواست

آن را که ز صنع خود دکان پر کالاست
دلای کالای کسانش نه سزاست

(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۰)

صحیح و قابل پذیرش است؛ اما همانطوری که خود ایشان معتقدند اکثر رباعیات در آثار او سروده خود جامی است نه همه رباعیات. ضمناً در مقاله حاضر نشان داده شده است که بعضاً رباعیاتی هم

که در آثار منظوم جامی به نام جامی درج شده، که با استناد به متون معتبر دیگر از جامی نیست و به اشتباه در آثار جامی وارد شده است. رباعی پیشتر ذکر شده را هم می توان از نوع تعارفات و مفاخرات معمول شاعران به حساب آورد که منحصر به جامی نیست و در اشعار دیگر شاعران هم دیده می شود.

۱- ۲ ضرورت و اهداف پژوهش

نخستین گام برای بررسی زبانی و محتوایی سروده های یک شاعر یا یک نوع سروده او در قالب مشخص مثلاً رباعی دست یافتن به یک متن معوّ و موثق از رباعیات اوست که اولاً دربر گیرنده همه رباعیات مسلّم او باشد و ثانیاً رباعیات سرگردان و رباعیات شاعران دیگر که بر اثر کم دقتی کاتبان نسخ خطی وارد رباعیات او شده، از پیکره رباعیات او جدا گردد. بدون در اختیار داشتن یک متن منقح و کامل، بررسی جوانب اندیشه و تفکرات شاعر در رباعیات و بوطیقای شاعری او میسر نخواهد بود. رباعی از مهم ترین قالب های شعر فارسی است که برخی از شاعران نظر به اهمیت آن، رباعیاتشان را جدای از سایر سروده هایشان در دفتری علی حده تنظیم می کرده اند؛ نظیر مختارنامه که مجموعه رباعیات عطار نیشابوری است که مستقل از دیوان در دفتری دیگر گنجانده شده است. همین عوامل ضرورت بازنگری و ویرایش مجدد رباعیات جامی را موجه ساخته بدان موضوعیت می بخشد. به سبب تخلیط رباعیات مسلم چند شاعر دیگر و چندین رباعی سرگردان منسوب به گویندگان دیگر در رباعیات جامی، اغلاط چاپی و عدم توجه تدوینگر محترم رباعیات به اخذها و اقتباس ها و تضمین های جامی در رباعیات خود از رباعیات شاعران و عارفان دیگر، ضروری است متن رباعیات مورد بازبینی و مذاقه قرار گیرد تا میزان تأثر لفظی و محتوایی جامی از گویندگان قبل و معاصرش مشخص شده، از این رهگذر بهره مندی و استلذاذ خوانندگان در مطالعه رباعیات شاعر مطلوب تر گردد. موضوع این مقاله تدقیق در متن رباعیات از حیث سندیت اشعار در انتساب به جامی، مشخص نمودن رباعیات راه یافته شاعران دیگر در متن رباعیات، بررسی رباعیات سرگردان، تأثرات جامی و اقتباس و تضمین های او از گویندگان دیگر و همچنین تضمین و اثرپذیری های شاعران و نویسندگان دیگر از رباعیات جامی است.

۳-۱ پیشینه پژوهش

بخشی از رباعیات جامی در دیوان و تعدادی از رباعیات او در کتب و رسائل او پراکنده است. از جمله چاپ های معروف دیوان جامی، چاپ لکنهو (۱۸۷۶م) تصحیح هاشم رضی (۱۳۴۱) چاپ محمد روشن (۱۳۷۷) و چاپ اعلاخان افصح زاد (۱۳۷۸) است. محمود مدبری-که تصحیح و طبع رباعیات خواجه عبدالله انصاری و نجم رازی را هم در کارنامه خود دارد- در سال ۱۳۶۹ از روی دیوان چاپ لکنهو و دیوان مصحح هاشم رضی و کتب و رسائل چاپی و عکسی جامی، جمعاً ۶۹۵ رباعی او را در نشرپاژنگ در تهران به چاپ رسانده است که در این مقاله همین کتاب اخیر و رباعیات مندرج در آن از حیث صحت انتساب به جامی و کیفیت ضبط مورد بررسی قرار گرفته، به تأثر جامی از اشعار دیگران در سرودن رباعیات و تأثیر پذیری گویندگان دیگر از رباعیات جامی پرداخته شده است. همچنین به کوشش محمد علم غواص کتابی در شهر هرات با عنوان «اشعار نایاب جامی» در سال ۱۳۴۸ چاپ شده است که در بردارنده ۴۰۰ غزل، ده قصیده و ۱۰۳ قطعه و رباعی است که از روی نسخه خطی کتابخانه شخصی قاصد اوبهی تهیه شده است. در سال ۱۳۹۲ کتابی با عنوان «صد چراغ جامی» در افغانستان در انتشارات احراری کابل طبع شده است که محتوی ۱۰۰ رباعی منتخب از جامی است که به قلم بسم الله (فرامرزی) سروری خوشنویسی و توسط عبدالغفار حبیبی تذهیب شده است.

۴-۱ روش پژوهش

در این مقاله کیفیت ضبط و سندیت رباعیات جامی در انتساب به او به روش بنیادی-نظری و با مراجعه و استناد به متون معتبرادبی، عرفانی و تاریخی بررسی شده است. رباعیات شاعر در سایر متون منظوم و منثور ردّ یابی شده، در صورت رؤیت رباعی از جامی در متون قرون گذشته در صحت انتساب آن به جامی تشکیک شده است. نیز به دلیل راهیابی برخی از رباعیات ابوالوفا خوارزمی (ف ۸۳۵ق.) در آثار جامی با استناد به یک نسخه خطی از رباعیات ابوالوفا به شماره ۱۳۸۲۳ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی (در اختیار نگارنده مقاله) و همچنین دو نسخه چاپی رباعیات او (تصحیح مایل هروی و تصحیح بهشتی شیرازی) رباعیات راه یافته ابوالوفا در رباعیات جامی هم مشخص گردیده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱ رباعیات مسلّم راه یافته گویندگان دیگر در رباعیات جامی

۱-۱-۲

صوفی که به خرقة دوزیش بازاریست گر بخیه به فقر می زند خوش کاریست
 ورنه جنبش طبع دست او جنباند هر بخیه و رشته اش بت و زناریست
 (مدبری، ۱۳۶۹: ۳۸)

منبع مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۰: ۱۴) است. این رباعی در برخی از منابع صوفیه از جمله در طرائق الحقایق از سروده های شقیق بلخی دانسته شده است (نک: معصوم علیشاه شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۷۳/۲). «شقیق به نقل بیشتر منابع صوفیه در قرن دوم می زیسته، تاریخ وفات او در تذکره های صوفیه به تقریب از ۱۷۴ تا ۱۹۱ ق ثبت شده است» (علی زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۹). صاحب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» هم دیوان شعری به او نسبت داده است (نک: طهرانی، ۱۳۰۴ ق، ج ۹: ۵۳۴). «مصباح الشریعه و کتاب آداب العبادات هم از آثار اوست» (علی زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۹). رباعی مذکور در بیان مفهوم فقر صوفیانه است. در جواهر الاسرار هم یک رباعی دیگر او از زبان خودش نقل شده که چونان رباعی بالا در مضمون فقر صوفیانه است: «شقیق از این سخن خوش وقت شد و گفت: الهی غلامی به خواجه ای که انباری غله دارد، چنان می نازد. تو مالک الملکی و روزی بندگان پذیرفته ای؛ ما چرا اندوه خوریم؟ و روی به خدای تعالی آورد و در توکل به درجه کمال رسید و می گفت رباعی:

مال و هنری اگر ندارم در دست با فقر بسازم که مرا فقر خوش است
 اندیشه چرا کنم ز بی برگی خویش گر هیچ ندارم چو تو دارم همه هست
 (خوارزمی، ۱۳۹۸: ۶۸)

۲-۱-۲

جانا لبم از ذکر تو خاموش مباد یاد تو ز خاطرم فراموش مباد
 هر جا ز شمایل حدیثی گذرد ذرات وجود من بجز گوش مباد
 (مدبری، ۱۳۶۹: ۴۸).

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۸) است. این رباعی از رباعیات رساله «مقامات خواجه عبدالخالق غجدوانی» ف ۵۷۵ ق. است که مرحوم سعید نفیسی آن را تصحیح کرده است. (نک: نفیسی، ۱۳۳۳: ۲). همچنین مریم حسینی در پژوهش اخیر خود در تصحیح کتاب «خواجه خواجهگان عبدالخالق غجدوانی» نیز این مطلب را تأیید نموده است که رباعی مزبور از عبدالخالق غجدوانی است با کمی تفاوت در ضبط مصرع سوم:

جانا لبم از ذکر تو خاموش مباد	یاد تو ز خاطرم فراموش مباد
هر جا ز شما به لب حدیثی گویند	ذرات وجود من بجز گوش مباد

(غجدوانی، ۱۴۰۱: ۸۳)

۳-۱-۲

زین گونه که جلوه آن دلاویز کند	عاشق ز بلا چگونه پرهیز کند
باد است ملامت کسان در گوشم	لیکن بادی که آتشم تیز کند

(مدبری، ۱۳۶۹: ۵۷).

این رباعی هم سروده عبدالخالق غجدوانی است. (نک: نفیسی، ۱۳۳۳: ۲ و غجدوانی، ۱۴۰۱: ۸۴).

۴-۱-۲

آنی تو که از نام تو می بارد عشق	وز نامه و پیغام تو می بارد عشق
عاشق شود آن کس که به کویت گذرد	گویی ز در و بام تو می بارد عشق

(همان، ۱۳۶۹: ۸۸)

این رباعی هم از رباعیات رساله مقامات خواجه عبدالخالق غجدوانی است. (نک: نفیسی، ۱۳۳۳: ۲ و غجدوانی، ۱۴۰۱: ۸۴). در رساله مقامات غجدوانی در ابتدای مصرع سوم به جای «گویی» «گویا» آمده است.

۵-۱-۲

جانا ز تو تا به چند اندوه کشم	وین بار غم گرانترا از کوه کشم
دلدار اگر تویی و دلداده منم	اندوه کشم از تو و انبوه کشم

(همان، ۱۳۶۹: ۱۰۴)

منبع مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۲۷) است. این رباعی هم از سروده های عبدالخالق غجدوانی است که با اندکی تفاوت در ضبط در رساله مقامات او آمده است:

جانا ز تو تا به چند اندوه کشم این بار غم گران چون کوه کشم
دلدار اگر تویی و دلداده منم اندوه کشم از تو و انبوه کشم
(نفیسی، ۱۳۳۳: ۲ و غجدوانی، ۱۴۰۱: ۸۴)

۶-۱-۲

معشوقه عیان بود نمی دانستم با ما به میان بود نمی دانستم
گفتم به طلب مگر به جایی برسم خود تفرقه آن بود نمی دانستم
(مدبری، ۱۳۶۹: ۹۸)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۵۶: ۶۶) است. این رباعی هم دو قرن و نیم قبل از جامی در دیوان بابا افضل کاشانی (ف ۶۱۰ ق.) دیده می شود:

معشوقه عیان بود نمی دانستم با ما به میان بود نمی دانستم
گفتم به طلب مگر به جایی برسم خود تفرقه آن بود نمی دانستم
(کاشانی، ۱۳۶۳: ۱۴۹)

رباعی مزبور سوای دیوان در مصنفات بابا افضل، تصحیح عالمانه و انتقادی مرحومان مجتبی مینوی و یحیی مهدوی هم آمده است (نک: کاشانی، ۱۳۶۶: ۷۶۰). نیز بنگرید به (علی زاده، ۱۴۰۱: ۱۱۴).

۷-۱-۲

یاری دارم که جسم و جان صورت اوست چه جسم و چه جان هر دو جهان صورت اوست
هر معنی خوب و صورت پاکیزه کاندرا نظر تو آید آن صورت اوست
(مدبری، ۱۳۶۹: ۳۶)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۵۶: ۹۵) است. این رباعی با اندکی تفاوت در ضبط در دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی آمده است:

یاری دارم که جسم و جان صورت اوست چه جان و چه دل هر دو جهان صورت اوست

هر معنی خوب صورت پاکیزه

کاندلر نظر تو آید آن صورت اوست

(کرمانی، ۱۳۸۰: ۲۳۳)

همچنین در کتاب «مشارق الدراری» از تألیفات سعیدالدین فرغانی، که شرحی بر قصیده تائیه ابن فارض است، این رباعی دیده می شود (نک: فرغانی، ۱۳۹۹: ۴۴۳) نیز در کتاب «جنگ رباعی» که یک مجموعه خطی از رباعیات چند شاعر است، به نام اوحدالدین کرمانی ثبت شده است (نک: میرافضلی، ۱۳۹۴: ۴۱۸) با عنایت به تقدم زمانی اوحد الدین کرمانی بر سعید الدین فرغانی و نیز با استناد به جنگ رباعی، پذیرش آن از اوحد الدین کرمانی معقول تر است و با عصر جامی فاصله زمانی زیادی دارد. این رباعی در متن مصحح مایل هروی از رباعیات ابوالوفا خوارزمی دیده نمی شود، اما بهشتی شیرازی آن را به اشتباه در متن مصحح خود از رباعیات ابوالوفا خوارزمی به نام ابوالوفا در رباعیات مشکوک منتسب به او درج کرده است که سهو آشکاری است. مأخذ بهشتی شیرازی برای انتساب این رباعی به ابوالوفا، شرح فصوص الحکم تاج الدین حسین خوارزمی است (نک: خوارزمی، ۱۳۸۵: ۵۰۵) اما در شرح فصوص الحکم هم تصریح نشده که رباعی از ابوالوفا خوارزمی است. نیز (نک: علی زاده، ۱۴۰۱: ۱۱۶).

۸-۱-۲

چون سرّ قدر طعمه ابدال شود

این جمله قیل و قال پامال شود

هم مفتی شرع را جگر خون گردد

هم خواجه عقل را زبان لال شود

(مدبری، ۱۳۶۹: ۶۴)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۵۶: ۲۰۹) است. این رباعی دو قرن قبل از جامی در کتاب «تبصره المنتهی و تذکره المنتهی» از تألیفات صدر الدین قونیوی (ف ۶۷۳/۶۷۱ ق.) دیده می شود. (نک: قونیوی، ۱۳۸۱: ۶۰) همچنین در رساله «مقصد الاقصی» عزیز نسفی (ف ۶۹۹/۶۸۰ ق.) که عیناً ضمیمه اشعه اللمعات جامی چاپ شده هم، آمده است (جامی، بی تا: ۲۴۶).

۹-۱-۲

گفتی که بکن کار و ببستی دستم

گفتی که بزن تیر و بریدی شستم

بر موجب فرمان تو گر زانکه نیم

بر وفق ارادت تو باری هستم

(مدبری، ۱۳۶۹: ۹۸)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۵۶: ۱۷۳) است. طبق تصریح صاحب عرفات العاشقین، رباعی مذکور از سروده های اوحد الدین عبدالله بن ضیاء الدین مسعود بلیانی (ف ۶۸۳ ق.) است. در تذکره عرفات العاشقین آمده است: «اشعار وی [اوحدالدین بلیانی] بسیار است آنچه به دست آمد نوشته شد. قال:

گفتی که بکن کار و بیستی دستم	گفتی که بزن تیر و بریدی شستم
بر موجب فرمان تو گر زانکه نیم	بر وفق اراده تو باری هستم
-ابنای زمانه پیچ پیچند همه	سودازدگان بی علاجند همه
بر هیچ مریدند و به هیچی منکر	قصه چه کنم که هیچ هیچند همه
-از آخر عمر اگر کسی یاد کند	شرمش آید که خانه آباد کند
دیدیم به چشم عقل باد است جهان	خاکش بر سر که تکیه بر باد کند»

(اوحدی دقاقی بلیانی، ۱۳۸۸: ۳۸۴/۱)

ذکر او در شیرازنامه زرکوب شیرازی، صص ۲۴۶-۲۴۸ آمده است.

۱۰-۱-۲

در بحر صفات پاک بی چون و چرا	کشتی صفتم فتاده نی دست و نه پا
ملاح ارادت است بر من حاکم	گر وقفه و گر سیر کنم در دریا

(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۷)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۵۶: ۱۲۱) است. این رباعی را باید جزء رباعیات مسلم ابوالوفای خوارزمی (ف ۸۳۵ ق.) دانست. در کتاب «در شبستان عرفان» به تصحیح نجیب مایل هروی، که مجموعه پنج رساله از پنج پیر طریقت است و سومین رساله، رباعیات ابوالوفا خوارزمی است در آن رساله رباعی مذکور جزء رباعیات ابوالوفا خوارزمی ضبط شده است (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۸۹). رباعیات ابوالوفا را در کتاب مذکور، مایل هروی بر اساس یک جنگ اشعار عرفانی متعلق به سده دهم یا یازدهم تصحیح کرده است. نیز در نسخه چاپی دیگر رباعیات ابوالوفا به تصحیح احمد بهشتی شیرازی، که رباعیات ابوالوفا را بر مبنای همان جنگ عرفانی قرن دهم یا یازدهم و دو نسخه خطی دیگر، نخستین متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۹۴۸ و ثانی نسخه کتابخانه دائره المعارف اسلامی به شماره ۱۰۷۶/۱ و چند متن چاپی دیگر تصحیح کرده است، دیده می شود. (بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۴).

رباعی مورد بحث در شرح فصوص الحکم تاج الدین حسین خوارزمی (شاگرد ابوالوفا، ف ۸۴۰ق.) هم با اندکی اختلاف در ضبط آمده است که نشانگر تأثر شاگرد از سروده های استادش است. (خوارزمی، ۱۳۸۵: ۱۱۲ و ۴۵۷).

۱۱-۱-۲

ما از حق و حق نیز زما نیست جدا بنگر همه در خدا و در جمله خدا
بل هر چه ببینی همه خلق است نه حق لا بل همه حق نه خلق بیند بینا
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۸)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۵۶: ۴۳) است. این رباعی از سروده های خواجه ابوالوفا خوارزمی است. (نک: مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۹۹ و بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۵۹)
ویلیام چیتیک در تعلیقات نقد النصوص نوشته است: «رباعی به سبک جامی است» (جامی، ۱۳۵۶: ۳۴۲). با استناد به چاپ های مایل هروی و بهشتی شیرازی باید رباعی را از ابوالوفا خوارزمی دانست. به نظر می رسد جامی به رباعیات ابوالوفا چشم عنایتی داشته، در مقام استدلال و به عنوان شاهد مثال به رباعیات او به ویژه در نقد النصوص استناد جسته است. ویلیام چیتیک هم رباعی مزبور را به سبک جامی دانسته نه سروده خود جامی.

۱۲-۱-۲

در چشم تو صورت ار چه بسیار آمد چون در نگری یکی به تکرار آمد
گر قدرت فعل هست ما را نه زماست زآن است که او به ما پدیدار آمد
(مدبری، ۱۳۶۹: ۵۴)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۵۶: ۱۸۹) است. این رباعی هم با کمی تفاوت ضبط جزئی در مصرع نخست از ابوالوفا خوارزمی است:

در چشم تو گرچه شکل بسیار آمد چون در نگری یکی به تکرار آمد
گر قدرت و فعل هست ما را نه زماست زآن است که او به ما پدیدار آمد
(مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۹۶)

رباعی مورد بحث سوای متن مصحح مایل هروی در تصحیح بهشتی شیرازی هم دیده می شود (بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۴).

۱۳-۱-۲

در مذهب اهل کشف و ارباب شهود عالم همه نیست جز تفصیل وجود
چندین صور ارچه ظاهراً روی نمود چون درنگری نیست به جز یک موجود
(مدبری، ۱۳۶۹: ۶۲)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۵۶: ۲۰۰) است. با کمی تفاوت ضبط در مصرع چهارم که در آن به جای «موجود» «معبود» آمده، رباعی از ابوالوفا خوارزمی است. (نک: مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۹۳ و بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۹).

۱۴-۱-۲

من کار به کارساز بگذاشته ام هرچ آیدم از غیب خوش انگاشته ام
ببریده ام از سبب تعلق آنگاه نا کاشته ارتفاع برداشته ام
(مدبری، ۱۳۶۹: ۹۸)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۵۶: ۵۱۱) است. این رباعی هم با تفاوت جزئی در ضبط بیت اول از ابوالوفا خوارزمی است که در متن مصحح مایل هروی و بهشتی شیرازی آمده است:
این کار به کارساز بگذاشته ام هرچه آمدم از غیب خوش انگاشته ام
ببریده ام از سبب تعلق آنگاه نا کاشته ارتفاع برداشته ام
(مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۸۹)
نیز (نک: بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۶۴).

۱۵-۱-۲

ای پاک ز نقص و ای مبراً ز عدم در وصف تو کی پیش نهد عقل قدم
کی کور به سمع بیند الوان و صور یا کر به بصر بشنود الحان و نغم
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۰۰)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۵۶: ۴۱۲) است. این رباعی هم از سروده های ابوالوفا خوارزمی است. (نک: مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۷۷ و بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۸).

۱۶-۱-۲

ای آنکه به جز تو نیست در هر دو جهان برتر ز خیالی و مبراً ز گمان

هر چند که عین هر نشانی لیکن

این است نشانت که ترا نیست نشان

(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۱۷)

مأخذ مدبری برای رباعی پیشتر ذکر شده (جامی، ۱۳۵۶: ۲۷) است. این رباعی هم از سروده های ابوالوفا خوارزمی است با این تفاوت که در متن رباعی او به جای «مبرا»، «منزه» آمده است. (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۱۷ و بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۶).

ویلیام چیتیک در تعلیقات نقد النصوص درباره این رباعی نوشته است: «در نسخه J و همچنین در بعضی از نسخه هائی که نگارنده در کتابخانه سلیمانیه در استانبول دیده است قبل از این رباعی، خواجه ابوالوفا به خط قرمز نوشته شده است؛ که ظاهراً مقصود خواجه ابوالوفای خوارزمی (ف ۸۳۵ق.) است. در نفحات الانس جامی، ص ۴۳۶ جامی درباره او می گوید: خدمت خواجه ابوالوفا را از مشارب صافیة ارباب توحید و اصحاب اذواق و مواجید شربی تمام بوده است، چنانکه از رسائل و اشعار ایشان، به تخصیص از رباعیات این معنی ظاهر است. سپس شش رباعی از او در نفحات الانس و چهار بیت از او در اشعه اللمعات نقل می کند.» (جامی، ۱۳۵۶: ۳۲۲).

۱۷-۱-۲

جز صحبت عارفان کامل مگزین

جز جانب بندگان مقبل منشین

شد هیزم تیره نور از صحبت نار

شد زنده غذا چو گشت با زنده قرین

(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۲۷)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۵۶: ۲۲۲) است. این رباعی هم عیناً از رباعیات خواجه ابوالوفا خوارزمی است. (نک: مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۰۳ و بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۷).

۱۸-۱-۲

کار من اگر به اختیارم بودی

آشفته تر از زلف نگارم بودی

گر من نظری به کار خود داشتمی

او را نظری کجا به کارم بودی

(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۴۳)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۵۶: ۲۰۹) است. این رباعی هم سروده ابوالوفا خوارزمی است. (نک: مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۸۹ و بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۵۵).

۲-۲ رباعیات راه یافته منتسب به ابوسعید ابوالخیر در رباعیات جامی

شفیعی کدکنی نظرشان در باب شعر سرودن ابوسعید ابوالخیر را در مقدمه کتاب های «اسرارالتوحید، حالات و سخنان ابوسعید و چشیدن طعم وقت» اظهار داشته اند که در کتاب های مذکور تصریح شده که بوسعید جز دو رباعی شعر دیگری نسروده است. اما در ادامه و با تأملی بیشتر نوشته اند: «اما این مسأله که بوسعید جز این دو نمونه شعرهای دیگری سروده باشد، احتمال دوری نیست. خاندان او- که مؤلف مقامات های شیخ بوده اند- با انکار شاعری او خواسته اند مرتبه روحانی او را فراتر برند و این کار ایشان بی شباهت به آن نیست که مسأله امی بودن ابوطاهر پسر ارشد شیخ را امری قطعی تلقی کرده اند، حال آنکه منشأ این امر حکایتی است که عبدالغافر فارسی آن را در کتاب السیاق نقل کرده است و هم او خود تصریح به دانش اندوزی ابوطاهر دارد و به یکی از تألیفات ابوطاهر به نام الاربعین نیز اشارت می کند. همان گونه که امی بودن ابوطاهر- که مورد اجماع این مؤلفان است- اصلی ندارد و بیشتر برای افزودن بر معنویت او و خلق کرامتی برای او پرداخته شده است، احتمال این نیز هست که بوسعید شعرهای بیشتری نیز داشته است که اینان منکر آن شده اند تا بوسعید در شمار شاعران قرار نگیرد که شاعری را دون شأن او می دانسته اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۴۳). همچنین در آخرین پژوهش صورت گرفته در باب ابوسعید با عنوان «مجالس عافان» که تصحیح و گزارش چند مجلس نویافته مربوط به ابوسعید، خواجه یوسف همدانی و یک عارف ناشناخته دیگر است، در بیست و دو مجلس نویافته ابوسعید باز ابیاتی از او دیده می شود که می تواند دلیلی دیگر بر شعر سرودن بوسعید باشد. (ناشناخته، ۱۳۹۴: ۹۷-۱۳۰).

۱-۲-۲

رسوا شده لولی ربابی در دست از کوی خرابات همی آمد مست

با خویشان این ترانه می زد پیوست کای وای کسی که از خود و خلق نرست

(مدبری، ۱۳۶۹: ۳۵)

مآخذ مدبری برای رباعی بالا (جامی، ۱۳۴۱: ۸۱۴ و هاشمی مندیلوی، ۱۹۷۰: ۵۶۷/۱) است. شفیعی کدکنی در مقاله اخیر خود با عنوان «ذیلی بر سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر» با ذکر این که این یادداشت تکمله ای است بر کتاب ارزشمند سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر اثر شادروان استاد سعید نفیسی، رباعی مذکور را به نام ابوسعید ثبت کرده است. (نک: شفیعی کدکنی، ۱۴۰۲: ۵۰۱).

۲-۲-۲

عاشق چو شوی تیغ به سر باید خورد زهری که رسد همچو شکر باید خورد
هر چند ترا بر جگر آبی نبود دریا دریا خون جگر باید خورد
(مدبری، ۱۳۶۹: ۵۱).

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۱۷) است. این رباعی جزء رباعیات منسوب به ابوسعید ابوالخیر (ف ۴۴۰ق.) هم هست. (نک: نفیسی، ۱۳۳۴: ۳۰).

۳-۲-۲

دلخسته و سینه چاک می باید شد وز هستی خویش پاک می باید شد
آن به که به خود پاک شویم اول کار چون آخر کار خاک می باید شد
(مدبری، ۱۳۶۹: ۵۴).

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۱۷) است. این رباعی را هم مرحوم استاد سعید نفیسی در کتاب «سخنان منظوم ابوسعید» از رباعیات ابوسعید ابوالخیر ضبط کرده است. (نک: نفیسی، ۱۳۳۴: ۳۱). سید علی میر افضل، رباعی شناس برجسته معاصر، بر آن است که: «جامی رباعی مورد بحث را تحت تأثیر رباعی زیر از ابوالوفا خوارزمی سروده است:

از خواهش نفس پاک می باید بود بیچاره و درد ناک می باید بود
هین خاک شو و عجب و تکبر بگذار چون آخر کار خاک می باید بود
(میر افضل، ۱۳۹۹: ۸۶)

نگارنده هم معتقد است هر دو شاعر در سرودن رباعی خود متأثر از رباعی زیر از کمال اسمعیل (ف ۶۳۵ق.) بوده اند که ردیف «شد» این تأثر را بیشتر تأیید می کند. ردّ یابی این گونه تأثرات در مبحث تبار شناسی رباعیات حائز اهمیت است:

آلوده مشو که پاک می باید شد ماسای که درد ناک می باید شد
از باد، چو آتش از بری سر به فلک چون آب به زیر خاک می باید شد
(اصفهانی، ۱۳۹۹: ۳۳۵)

۴-۲-۲

سر رشته دولت ای برادر به کف آر وین عمر گرامی به خسارت مگذار

دائم همه جا با همه کس در همه کار می دار نهفته چشم دل جانب یار

(مدبری، ۱۳۶۹: ۷۰)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۶۰: ۹۱) است. رباعی منتسب به ابوسعید ابوالخیر هم هست. (نفیسی، ۱۳۳۴: ۴۵).

۵-۲-۲

خورشید چو بر فلک زند رایت نور در پرتو او خیره شود دیده ز دور

و آن دم که کند ز پرده ابر ظهور فالناظر یجتلیه من غیر قصور

(مدبری، ۱۳۶۹: ۷۵)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۶ و ۱۳۵۶: ۱۷۸) است. این رباعی منسوب به ابوسعید ابوالخیر هم هست (نفیسی، ۱۳۳۴: ۴۷).

۶-۲-۲

بر عود دلم نواخت یک زمزمه عشق ز آن زمزمه ام ز پای تا سر همه عشق

حقا که به عهدا نیایم بیرون از عهده حق گزاری یکدمه عشق

(مدبری، ۱۳۶۹: ۸۸)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۳) است. رباعی منسوب به ابوسعید ابوالخیر هم هست (نفیسی، ۱۳۳۴: ۵۴).

۷-۲-۲

درمانده کسی که بست در خوبان دل وز مهر بتان نگشت پیوند گسل

در صورت گل معنی جان دید و بماند پای دل او تا به قیامت در گل

(مدبری، ۱۳۶۹: ۹۴)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۱۸) است. در باب انتساب این رباعی به ابوسعید ابوالخیر (نفیسی، ۱۳۳۴: ۵۵).

۸-۲-۲

یا رب ز دو کون بی نیازم گردان وز افسر فقر سرفرازم گردان

در راه طلب محرم رازم گردان ز آن ره که نه سوی تست بازم گردان

(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۱۴)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۲۹) است. رباعی منتسب به ابوسعید ابوالخیر هم هست. (نفیسی، ۱۳۳۴: ۷۲).

۹-۲-۲

رخسار تو بی نقاب دیدن نتوان
دیدار تو بی حجاب دیدن نتوان
مادام که در کمال اشراق بود
سرچشمه آفتاب دیدن نتوان
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۱۸)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۶) است. رباعی منسوب به ابوسعید ابوالخیر هم هست. (نفیسی، ۱۳۳۴: ۷۳).

۱۰-۲-۲

بنگر به جهان سرّ الهی پنهان
چون آب حیات در سیاهی پنهان
پیدا آمد ز بحر ماهی انبوه
شد بحر در انبوهی ماهی پنهان
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۱۹)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۲۹) است. این رباعی هم از رباعیات منتسب به ابوسعید ابوالخیر است. (نفیسی، ۱۳۳۴: ۷۴).

۱۱-۲-۲

ای در همه شأن ذات تو پاک از همه شین
نی در حق تو کیف توان گفت نه این
از روی تعقل همه گیرند و صفات
با ذات تو و ز روی تحقق همه عین
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۲۶)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۵) است. رباعی مورد بحث با کمی تفاوت ضبط منتسب به ابوسعید ابوالخیر هم هست:

ای در همه شأن ذات تو پاک از شین
نه در حق تو کیف توان گفت نه این
از روی تعقل همه گیرند و صفات
ذات بود از روی تحقق همه عین
(نفیسی، ۱۳۳۴: ۸۰)

۱۲-۲-۲

ای آینه را داده جلا صورت تو یک آینه کس ندید بی صورت تو
نی نی که ز لطف در همه آینه ها خود آمده ای پدید نی صورت تو
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۲۹)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۶۰: ۳۳) است. رباعی منتسب به ابوسعید ابوالخیر هم هست. (نفیسی، ۱۳۳۴: ۸۱).

۲-۳ رباعی راه یافته جامی در کلیات شیخ بهایی

فصاد به قصد آنکه بردارد خون شد تیز که نشتری زند بر مجنون
مجنون بگریست گفت از آن می ترسم کآید بدل خون غم لیلی بیرون
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۲۵)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۲۴) است. این رباعی با ضبطی متأخرتر به کلیات شیخ بهایی (ف ۱۰۳۱ ق.) راه یافته است:

فصاد به قصد آنکه بردارد خون می خواست که نشتری زند بر مجنون
مجنون بگریست گفت: زان می ترسم کآید ز دل خود غم لیلی بیرون
(بهایی، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

۲-۴ تضمین و تأثر جامی در رباعیات از گویندگان دیگر

۱-۴-۲

تا ترک عوایق و علایق نکنی قطع نظر از کل خلایق نکنی
در قبله توحید ز روی اخلاص یک سجده شایسته لایق نکنی
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۵۱)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۳۷) است. رباعی جامی تحت تأثیر رباعی زیر منسوب به ابوسعید ابوالخیر (ف ۴۴۰ ق.) است:

تا ترک علایق و عوایق نکنی یک سجده شایسته لایق نکنی
حقاً که ز دام لات و عزّی نرهمی تا ترک خود و جمله خلایق نکنی
(نفیسی، ۱۳۳۴: ۹۹)

۲-۴-۲

گاهی که فتد به جانب خود نظرم تا ظن نبوی که من ز خود بهره ورم
در طلعت خود جمال حق می نگرم وز نسخه خود کمال حق می شمرم
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۰۳)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۷۳) است. رباعی جامی متأثر از رباعی زیر از خواجه عبدالله انصاری (ف ۴۸۱ق.) در مناجات نامه است:

گاهی که به طینت خود افتد نظرم گویم که من از هر چه به عالم بترم
چون از صفت خویشتن اندر گذرم از عرش همی به خویشتن درنگرم
(انصاری، ۱۳۹۵: ۱۰۹)

۳-۴-۲

ای آنکه به قبله وفا روست ترا بر مغز چرا حجاب شد پوست ترا؟
دل در پی این و آن نه نیکوست ترا یک دل داری بس است یک دوست ترا
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۸)

مصرع چهارم رباعی مذکور متأثر از مصرع دوم بیت زیر از کلیله و دمنه است:

گر مذهب مردمان عاقل داری یک دوست بسنده کن که یک دل داری
(نصرالله منشی، ۱۳۷۱: ۵۳)

۴-۴-۲

من کیستم از شهر خرد تاخته ای در عشق بتان دینی و دین باخته ای
خانه به خرابات مغان ساخته ای از هر چه نه عشق خانه پرداخته ای
(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۴۰)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۳۷) است. رباعی جامی متأثر از رباعی زیر از بابا افضل کاشانی (ف ۶۱۰ق.) است:

رندی باید ز شهر خود تاخته ای بنیاد وجود خود برانداخته ای
زین نادره ای سوخته ای ساخته ای وآنکه به دمی هر دو جهان باخته ای
(کاشانی، ۱۳۶۳: ۲۰۸ و ۱۳۶۶: ۷۵۹)

۵-۴-۲

ای آنکه ترا دولت شاه‌ی هوسست و آزادی بندگان ترا دسترسست
آزاد کن آن را که بود بنده عشق کان دلشده را بندگی عشق بسست

(مدبری، ۱۳۶۹: ۸۰)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۰: ۵۷) است. رباعی مورد بحث متأثر از رباعی زیر است که در چندین متن صوفیه از جمله در حاشیه صفحه آخر نسخه خطی کتابخانه برلین که مورد استفاده مصحح فقید ترجمه عوارف المعارف-قاسم انصاری- در تصحیح کتاب مذکور بوده، آمده است:

دل گفت مرا علم لدنی هوس است تعلیم کن گرت بدین دست رسست
گفتم که الف گفت دگر گفتم هیچ در خانه اگر کس است یک حرف بس است

(مقدمه سهروردی، ۱۳۷۴)

۶-۴-۲

هر دیده که روزی به جمالت نگریست چون از تو جدا ماند چرا خون نگریست
هر چند که بی تو زنده ام حیرانم ز آن کس که رخ تو دید و دور از تو بزیست

(مدبری، ۱۳۶۹: ۳۸)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۱۳) است. رباعی جامی متأثر از رباعی زیر از اوحد الدین کرمانی (ف ۶۳۵ ق.) است:

ز آن روز که چشم من به رویت نگریست نگذشت شبی که از غمت خون نگریست
بشتاب که دل بی تو نمی داند بود دریاب که جان بی تو نمی داند زیست

(میر افضلی، ۱۳۹۴: ۴۱۹)

۷-۴-۲

ای بر قد تو قبای حسن آمده چست بر قامت ما لباس عشق از تو درست
ز آن سان که جمال همه عکس رخ تست عشق همه از تو خاست در روز نخست

(مدبری، ۱۳۶۹: ۳۲)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۰۷) است. مصرع نخست رباعی مورد بحث تحت تأثیر مصرع نخست بیت زیر از سعدی شیرازی (ف ۶۹۱ ق.) است:

صد پیرهن از محبت چاک

ای بر تو قبای حسن چالاک

(سعدی، ۱۳۹۳: ۶۰۴)

۸-۴-۲

دامن ز کفم چو عمر درچیده برفت

افسوس که دلبر پسندیده برفت

از دل برود هر آنچه از دیده برفت

از دیده برفت خون ز دل نیز بلی

(مدبری، ۱۳۶۹: ۴۴)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۱۲) است. رباعی جامی تحت تأثیر رباعی زیر از جلال عضد (ف ۷۳۹ ق.) است:

نا کرده مرا وداع و نا دیده برفت

افسوس که آن یار پسندیده برفت

تا روشنی دیده ام از دیده برفت

عالم همه پیش چشم من تاریک است

(میر افصلی، ۱۳۹۴: ۴۹۲)

۹-۴-۲

رفته به دیار آن مه مهرانگیز

دل خسته و جان فگار و مژگان خونریز

زد بانگ که هان چند نشینی برخیز

من جای نکرده گرم گردون به ستیز

(مدبری، ۱۳۶۹: ۸۰)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۴۱: ۸۲۱) است. جامی در سرودن مصرع دوم رباعی خود به مصرع نخست رباعی زیر از ابن یمین فریومدی (ف ۷۴۶ ق.) نظر داشته است:

آراسته ئی به سنبل عنبربیز

یا رب تو جمال آن مه مهرانگیز

این حکم چنان بود که کج دار و مریز

پس حکم همی کنی که در وی منگر

(فریومدی، ۱۳۶۳: ۶۷۵)

رباعی ابن یمین را بهشتی شیرازی در تصحیح خود از رباعیات ابوالوفا خوارزمی جزء رباعیات مشکوک منتسب به ابوالوفا آورده که سهو آشکاری است. (بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). در چاپ مایل هروی از رباعیات ابوالوفا اشتباه مذکور بر طرف شده است.

۱۰-۴-۲

گفتم که ترا. گفت چرا می گویی؟

گفتم ماهی. گفت کرا می گویی؟

بر حرف نخست نامش آن دم که یکی افزون کردم، گفت چها می گویی؟

(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۵۶)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۶۱: ۷) است. این رباعی از دید نگارنده متأثر از ابیاتی از یک غزل کمال خجندی (ف ۸۰۸) است:

گفتم ای سیم ذقن گفت کرا می گویی گفتم ای عهدشکن گفت چه ها می گویی...

گفتم ای جان ز دل سخت تو فریاد مرا گفت با ما سخن سخت چرا می گویی؟

(خجندی، ۱۳۸۹: ۴۱۹)

۱۱-۴-۲

در مذهب اهل کشف و ارباب خرد ساری است احد در همه افراد عدد

زیرا که عدد گرچه برون است ز حد هم صورت و هم ماده اش هست احد

(مدبری، ۱۳۶۹: ۵۰)

مأخذ مدبری برای رباعی پیشتر یاد شده (جامی، ۱۳۶۰: ۸۴) است. رباعی جامی متأثر از رباعی زیر از ابوالوفا خوارزمی (ف ۸۳۵ ق.) است:

در مذهب اهل کشف و ارباب شهود عالم همه نیست جز تفصیل وجود

چندین صور ارچه ظاهراً روی نمود چون درنگری نیست به جز یک معبود

(مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۹۳ و بهشتی شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۹)

جامی سوای رباعی پیشتر یاد شده در سرودن رباعی زیر هم متأثر از رباعی ابوالوفا خوارزمی بوده است:

هر چند که جان عارف آگاه بود کی در حرم قدس تواش راه بود

دست همه اهل کشف و ارباب شهود از دامن ادراک تو کوتاه بود

(جامی، ۱۳۶۰: ۲۵)

۵-۲ تضمین و تأثر گویندگان دیگر از رباعیات جامی

۱-۵-۲

آنی تو که از نام تو می بارد عشق وز نامه و پیغام تو می بارد عشق

عاشق شود آن کس که به کویت گذرد گویی ز در و بام تو می بارد عشق

(مدبری، ۱۳۶۹: ۸۸)

مأخذ مدبری برای رباعی مذکور (جامی، ۱۳۶۰: ۱۵۲ و جامی، ۱۳۴۰: ۶) است. پیشتر هم ذکر شد که رباعی مذکور از جامی نیست و از سروده های خواجه عبدالخالق غجدوانی است. بیت نخستین آن عیناً در روضه الریاحین بوزجانی آمده است (بوزجانی، ۱۳۹۶: ۲۶).

۲-۵-۲

آمد سحر آن دلبر خونین جگران گفت ای ز تو بر خاطر من بار گران

شرمت بادا که من به سویت نگران باشم تو نهی چشم به سوی دگران

(مدبری، ۱۳۶۹: ۱۱۵)

مأخذ مدبری برای رباعی مزبور (جامی، ۱۳۶۰: ۷) است. مصرع نخست رباعی جامی را حزین لاهیجی (۱۱۸۱ق.) با تغییر یک واژه تضمین کرده است:

آمد سحر آن نگار خونین جگران پرسید ز احوال من دل نگران

کردم ز فراق شکوه خندان شد و گفت من در دل و بی نصیب کوتاه نظران

(حزین لاهیجی، ۱۳۷۴: ۵۴۴)

۲-۶ اغلاط چاپی ضبط رباعیات

صفحه/شماره رباعی	مصرع	غلط	صحیح
۳/۱۷	سوم	کند	کنند
۱۲/۱۹	چهارم	آزوموم	آزمودم
۱۵/۲۰	دوم	ازباب	ارباب
۵۷/۲۸	سوم	رهی	ره
۶۳/۲۹	چهارم	آیینه	آینه
۲۲۷/۶۲	چهارم	نشود	نشود
۲۷۰/۷۱	اول	... (۱)	نگر
۴۱۷/۱۰۱	سوم	... (۲)	شعار
۵۲۲/۱۲۲	اول	... (۳) خرد	خر و
۵۴۴/۱۲۸	چهارم	هم او من گشته... (۴)	هم او همه من گشته و

اختیارم	اختیار	اول	۶۲۸/۱۴۳
---------	--------	-----	---------

۳- نتیجه گیری

از مقاله حاضر که با مراجعه به بیش از پنجاه منبع نوشته شده است، نتایج زیر حاصل می شود:

۱- تمام رباعیات مندرج در کتاب «رباعیات جامی» از جامی نیست و او هم مثل اکثر شاعران و نویسندگان پهنه وسیع ادب فارسی، در مقام تبیین و استدلال به رباعیات گویندگان دیگر استناد جسته است.

۲- جامی بیشتر به رباعیات کسانی که مثل او پیرو اندیشه وحدت وجودی ابن عربی بوده اند استناد کرده و رباعیاتی از آنان را در آثار خود گنجانده است.

۳- بیش از هر شاعر و نویسنده ای رباعیات ابوالوفا خوارزمی (ف ۸۳۵) در رباعیات جامی وارد شده است که در مقاله حاضر این رباعیات با استناد به منابع معتبر مشخص شده است.

۴- جامع رباعیات جامی به دلیل عدم ردّ یابی رباعیات جامی در سایر متون ادبی، پای بندی بیش از حدّ به آثار چاپی جامی و نداشتن تصحیحات انتقادی از آثار جامی در زمان تدوین کتاب، در تشخیص رباعیات راه یافته دیگران در رباعیات جامی دچار سهو شده است.

۵- بازنگری، تنقیح و تکمیل رباعیات جامی ضرورت دارد تا از پرتو چنین تحقیقاتی رباعیات مسلم راه یافته دیگران و نیز رباعیات سرگردان از پیکره رباعیات او خارج شود.

۶- شناخت، تحلیل و بررسی رباعیات اصیل جامی در شناخت منظومه فکری و اعتقادی و بوطیقای شاعری او بسیار حائز اهمیت است.

۷- رباعیات جامی در بررسی سیر تاریخی رباعی فارسی به عنوان رباعیات یک اندیشمند مؤثر دوره تیموری مهم است و پژوهش پیرامون آنها ضرورت دارد.

۸- جدا کردن رباعیات راه یافته دیگران در رباعیات جامی سبب می شود که علاقه مندان به اندیشه و آثار او در شناخت جوهر افکار او در رباعیات راه خطا نروند.

۹- جامی در رباعیات از حیث لفظی و مفهومی از رباعیات گویندگان پیش از خود متأثر شده و بر رباعیات شاعران پس از خود تأثیر گذار بوده است.

۱۰- دانش اندک کاتبان، کم دقتی های آنان و نیز ارادت آنان به شاعر یا نویسنده ای که نسخه خطی آثار آنان را استنساخ می کردند، سبب شده تا رباعیاتی سهواً و به ندرت عمداً از گویندگان دیگر در نسخه خطی شاعر یا نویسنده مورد علاقه خود وارد نمایند.

۱۱- رباعیاتی هم در برخی از تذکره ها نظیر لطائف الخیال و نتایج الافکار به نام جامی هست که تدوینگر رباعیات او به آنها عنایتی نداشته است؛ که تحقیق در اصالت و سندیت آنها ضمن ضروری بودن مجالی دیگر لازم دارد.

پی نوشت ها

۱- از روی تذکره عرفات العاشقین (دقاقی بلیانی، ۱۳۸۸: ۹۴۲/۲) تصحیح شد.

۲- از روی بهارستان (جامی، ۱۳۷۹: ۱۱۹) تصحیح شد.

۳- از روی دیوان جامی (جامی، ۱۳۷۸: ۴۰۸/۲) تصحیح شد.

منابع

۱. اصفهانی، کمال الدین اسمعیل (۱۳۹۹) دیوان، تصحیح محمد رضا ضیاء، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار و سخن

۲. انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۹۵) مناجات نامه، تصحیح توفیق سبحانی، تهران: پارسه، چاپ دوم

۳. اوحدی دقاقی بلیانی، تقی الدین محمد (۱۳۸۸) عرفات العاشقین و عرصات العارفین، ج ۲، تصحیح محسن ناجی نصر آبادی، تهران: اساطیر

۴. بوزجانی، درویش علی (۱۳۹۶) روضه الریاحین، تصحیح حسن نصیری جامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵. بهایی عاملی، محمد بن حسین (۱۳۸۳) کلیات آثار فارسی، تصحیح علی کاتبی، مقدمه سعید نفیسی، تهران: چکامه، چاپ پنجم

۶. جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۸۲) نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح محمود عابدی، تهران: اطلاعات، چاپ چهارم

۷. (۱۳۷۹) بهارستان و رسائل جامی، تصحیح اعلاخان افصح زاد، تهران: میراث

مکتوب

- ۸.....(۱۸۷۶م) دیوان، چاپ لکنهو
- ۹.....(۱۳۴۱) دیوان، ویراسته هاشم رضی، تهران: پیروز
- ۱۰.....(۱۳۶۰) سه رساله در تصوف، مقدمه ایرج افشار، تهران: منوچهری
- ۱۱.....(۱۳۵۲) اشعه اللمعات، تصحیح حامد ربانی، تهران: کتابفروشی علمیه
- ۱۲.....(۱۳۵۶) نقد النصوص، تصحیح ویلیام چیتیک، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ سوم
- ۱۳.....(۱۳۴۰) بهارستان، چاپ افست از روی چاپ وین، تهران: کتابخانه مرکزی
- ۱۴.....(۱۳۳۶) نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح مهدی توحیدی پور، تهران: کتابفروشی محمودی
- ۱۵.....(۱۳۶۱). حلیه حلل یا رساله کبیر، تصحیح نجیب مایل هروی، مشهد: نوید
- ۱۶.....(؟) رساله متوسط در معما، نسخه عکسی کلیات جامی، به شماره ۳۹۸۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۱۷.....(؟) رساله لا اله الا الله، نسخه عکسی کلیات جامی، به شماره ۳۹۸۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۱۸.....(؟) شرح بیت امیر خسرو، نسخه عکسی کلیات جامی، به شماره ۳۹۸۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۱۹.....(؟) شرح حدیث عما، نسخه عکسی کلیات جامی، به شماره ۳۹۸۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۲۰.....(۱۳۳۷) هفت اورنگ، تصحیح مرتضی مدرسی گیلانی، تهران: سعدی
- ۲۱.....(۱۳۸۰) دیوان، تصحیح محمد روشن، تهران: نگاه
- ۲۲.....(۱۳۷۸) دیوان، تصحیح اعلاخان افصح زاد، تهران: میراث مکتوب
- ۲۳.....(۱۳۹۲) صد چراغ جامی، به خط بسم الله (فرامرزی) سروری، تذهیب عبدالغفار حبیبی، کابل: احراری
- ۲۴.....حزین لاهیجی، محمد علی (۱۳۷۴) دیوان، تصحیح ذبیح الله صاحبکار، تهران: سایه
- ۲۵.....خجندی، کمال الدین مسعود (۱۳۹۸) دیوان، تصحیح مجید شفق، تهران: سنایی

۲۶. خوارزمی، ابوالوفا (؟) نسخه خطی رباعیات ابوالوفا خوارزمی، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۸۲۳ در اختیار نگارنده مقاله
۲۷. (۱۳۹۵) رباعیات، تصحیح و شرح سید احمد بهشتی شیرازی، تهران: روزنه
۲۸. خوارزمی، تاج الدین حسین (۱۳۸۵) شرح فصوص الحکم، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: مولی، چاپ چهارم
۲۹. (۱۳۹۸). جواهر الاسرار و زواهر الانوار، تصحیح محمد جواد شریعت، تهران: اساطیر، چاپ دوم
۳۰. زرکوب شیرازی، ابن ابی الخیر (۱۳۸۹) شیرازنامه، تصحیح محمد جواد وجدی و احسان الله شکر اللهی، تهران: فرهنگستان هنر
۳۱. سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۹۳) کلیات، تصحیح بهاء الدین خرمشاهی، تهران: دوستان، چاپ هفتم
۳۲. سهروردی، شهاب الدین عمر (۱۳۷۴) عوارف المعارف، ترجمه ابو منصور اصفهانی، تصحیح قاسم انصاری، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم
- ۳۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵) چشیدن طعم وقت، تهران: انتشارات سخن.
- ۳۴- (۱۴۰۲) «ذیلی بر سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر»، به یاد ایرج افشار، ج ۲، صص ۴۹۷-۵۰۱، به کوشش جواد بشری، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و نشر سخن.
۳۵. طهرانی، آقا بزرگ (۱۳۰۴ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه، مجلدات ۹ و ۲۱، قم: اسماعیلیان
۳۶. علی زاده، احمد (۱۴۰۱) «ضرورت تصحیح دوباره رباعیات ابوالوفا خوارزمی»، متن شناسی ادب فارسی، دوره جدید، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۵۴) تابستان، صص ۱۰۳-۱۲۵
۳۷. غجدوانی، عبدالخالق (۱۴۰۱) خواجه خواجگان عبدالخالق غجدوانی، تصحیح مریم حسینی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار و سخن
۳۸. غواص، محمد علم (۱۳۴۸) اشعار نایاب جامی، هرات: بی تا
۳۹. فرغانی، سعید الدین (۱۳۹۹) مشارق الدراری، مقدمه و تعلیقات سید جلال الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب، چاپ ششم

۴۰. فریومدی، ابن یمین (۱۳۶۳) دیوان، تصحیح حسینعلی باستانی راد، تهران: سنایی، چاپ دوم
۴۱. قونیوی، صدر الدین (۱۳۸۱) تبصره المبتدی و تذکره المنتهی، تصحیح نجفقلی حبیبی، قم: بخشایش
۴۲. کاشانی، بابا افضل (۱۳۶۳) دیوان و رساله المفید للمستفید، تصحیح مصطفی فیضی و دیگران، تهران: زوار
۴۳. (۱۳۶۶) مصنفات، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی، چاپ دوم
۴۴. کرمانی، اوحدالدین (۱۳۸۰) دیوان رباعیات، تصحیح احمد ابو محبوب، مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: سروش، چاپ دوم
۴۵. مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹) در شبستان عرفان، تهران: گفتار
۴۶. مدبری، محمود (۱۳۶۹) رباعیات جامی، تهران: پاژنگ
۴۷. معصوم علیشاه شیرازی، محمد (۱۳۸۲) طرائق الحقائق، تصحیح محمد جعفر محبوب، ج ۲، تهران: سنایی، چاپ دوم
۴۸. منشی شیرازی، نصرالله (۱۳۷۱) ترجمه و انشای کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم
۴۹. میر افضل، سید علی (۱۳۹۴) جنگ رباعی، تهران: سخن
۵۰. (۱۳۹۹) چهار خطی، تهران: سخن، چاپ سوم
۵۱. نفیسی، سعید (۱۳۳۳) «مقامات خواجه عبدالخالق غجدوانی و عارف ریوگری» فرهنگ ایران زمین، ج ۲، صص ۱-۱۸
۵۲. (۱۳۳۴) سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، تهران: سنایی، چاپ سوم.
۵۳. هاشمی مندیلوی (۱۹۷۰م)، مخزن الغرائب، به اهتمام محمد باقر: لاهور.